

واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های محلات سنتی از دیدگاه ساکنین بر پایه نظریه آموس راپاپورت (مطالعه موردی: محله سرخاب تبریز)^۱

پریسا هاشم‌پور*

لیلا مدقالچی**، زهرا علمی**

چکیده

فرهنگ سکونت تأثیر بسزایی در زندگی ساکنین محلات سنتی با خانه‌های سنتی و جدید دارد و مغایرت فرهنگ سکونت با فضای سکونتی موجب عدم رضایت ساکنان می‌شود. پژوهش حاضر با هدف واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های محلات سنتی از دیدگاه ساکنین با بهره‌گیری از استراتژی پس‌کاوی درصدد است تا بر پایه‌ی نظریه آموس راپاپورت سه مولفه فرهنگ سکونت شامل آداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات را در محله سرخاب تبریز که از تنوع سکونتی مناسبی برخوردار است مورد‌ارزیایی قرار دهد. داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با ساکنین خانه‌های سنتی و جدید محله سرخاب بدست‌آمده است. مصاحبه‌ها تا حداشباع داده‌ها انجام شد و پاسخ‌های دریافت شده از ساکنین مقوله‌بندی شدند. برای سنجش روایی و پایایی سوالات از

* دانشیار، معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده معماری و شهرسازی (نویسنده مسئول)،
p.hashempour@tabriziau.ac.ir

** استادیار، معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده معماری و شهرسازی،

l.medghalchi@tabriziau.ac.ir

*** کارشناسی ارشد، معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشکده معماری و شهرسازی،

elmiza01@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷



پیش‌آزمون و آلفای کرونباخ استفاده شد، در ادامه‌ی تحلیل‌ها، مقایسه‌ی خانه‌های سستی و جدید برای متغیرهای مورد بررسی با استفاده از آزمون (t-student) و مقایسه‌ی میانگین گروه‌های سنی با استفاده از آزمون چنددامنه‌ای دانکن صورت گرفت و همبستگی صفات و تجزیه‌ی واریانس بر روی گروه‌های سنی انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در حیطه آداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات سکونتی در خانه‌های سستی و جدید به‌دست آمد. بین ساکنان، گروه میانسال و پیر نسبت به جوانان تمایل بیشتر به سکونت در محلات سستی داشتند. این تحقیق لزوم توجه به بازسازی و نوسازی خانه‌ها در محلات سستی جهت زیست مطلوب ساکنان را آشکار می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ سکونت، محلات سستی، خانه‌های سستی، خانه‌های جدید، محله‌ی سرخاب.

۱. مقدمه

برای بررسی هر نوع معماری، شناخت محیط و عوامل مولد آن اهمیت زیادی دارد. لذا تحقیق در معماری معاصر و گذشته بدون تعمق در معماری مردمی و درک خصوصیات اجتماعی- فرهنگی آن کامل نیست. در این میان معماری مسکونی نسبت به دیگر انواع آن، ارتباط کالبد بنا، شیوه‌های زندگی و خصوصیات اجتماعی- فرهنگی را با وضوح بیشتری نمودار می‌سازد (خاکپور و دیگران، ۱۳۹۴: ۴). از آنجا که ساختن مسکن پدیده‌ای فرهنگی است؛ شکل، سازمان و نظم فضایی آن متاثر از محیط فرهنگی‌ای است که به آن تعلق دارد. راپاپورت از جمله پیشگامان حوزه انسان‌شناسی فضا و معماری شناخته می‌شود، که کالبد و فرهنگ را در ارتباط باهم تحلیل می‌کند. از این‌رو، در حوزه مفهوم‌شناسی جغرافیای محیطی، اصالت را به هیچ‌کدام این دو عنصر نداده و به نوعی رابطه رفت‌وبرگشتی بین آنها معتقد است. به عبارت دیگر، درست است که در حوزه تداخل در جغرافیای محیطی، انسان‌ها به محیط شکل می‌دهند ولی به محض آنکه محیط ساخته‌شد، می‌تواند رفتار انسان‌ها را سازماندهی و کنترل کند. بنابراین راپاپورت موقعیت انفعالی انسان نسبت به محیط را رد کرده و به‌جای آن، نوعی کنش متقابل او و محیط جغرافیایی را پیشنهاد می‌کند (محمدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۶۹). بنابه نظر وی هدف فعال مسکن ایجاد محیطی است که به بهترین شکل با شیوه زندگی یک قوم هماهنگ باشد (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۸۲). دیدگاه ساکنین نسبت به خانه‌ها در محلات سستی که محصول فرهنگ گروهی از

انسان‌هاست باعث شکل‌گیری سکونت در الگوهای متفاوت خانه‌ها می‌شود. لذا فرهنگ سکونت در محلات سنتی به دلیل تنوع زیست و گونه‌های سکونتی حائز اهمیت است.

۲. بیان مسئله

در توسعه‌های اخیر، محلات به پیروی از الگوی شهرسازی جدید ضمن گسست از زندگی اجتماعی و محله‌ای، ارزش‌ها و هویت خود را از دست داده‌اند. شهر تبریز هم بعنوان یکی از شهرهای تاریخی مهم از این تحولات بی‌نصیب نمانده‌است. بطوریکه در سال‌های اخیر سرعت گسترش فضایی آن نسبت به روند رشد جمعیت شهر بیشتر شده‌است. به غیر از بافت‌های سنتی تغییر یافته؛ حومه‌های جدیدی نیز براساس ضوابط طرح‌های جدید شهری بنا گردیده‌اند (زرافشان، پورمحمدی و سایرین، ۱۳۹۹: ۴). امروزه علیرغم آنکه محلات سنتی در این شهر همانند بیشتر شهرهای ایران به محلات فرسوده تبدیل شده و ساکنان اصلی خود را از دست داده‌است؛ در بسیاری از موارد، افراد به اجبار در این محلات ساکن هستند؛ این مقاله با بررسی فرهنگ سکونت در خانه‌های سنتی و جدید محلات سنتی در پی یافتن علت آن می‌باشد.

از گذشته‌های دور، خانه برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده‌است؛ اما در عصر کنونی غفلت از نیازهای کیفی و روانی و توجه صرفاً اقتصادی و تأکید بر ویژگی‌های سرپناهی در امر خانه‌سازی، باعث کم‌رنگ شدن نقش خانه در هویت‌بخشی به انسان شده است (عبداله‌زاده و ارژمند، ۱۳۹۱: ۱۰۹). چنین به نظر می‌رسد که خانه در هر شرایطی مطابق با ارزش‌های فرهنگی ساخته می‌شود. براین اساس لازم است خانه با نیازهای کاربران و فرهنگ آنان هماهنگی مناسبی داشته باشد. تنوع در واحدهای سکونتی سنتی و جدید در محلات سنتی، امکان بررسی تحولات فرهنگ سکونت در خانه‌های این محلات را مهیا می‌کند. با در نظر گرفتن اینکه خانه به‌عنوان یک عنصر فرهنگی جامعه مطرح است (میرسجادی و فرکیش، ۱۳۹۵: ۸)؛ تحولات فرهنگی در کالبد آن‌ها شکل عینی می‌یابد. تنوع شکلی خانه‌ها که مربوط به دوره‌های تاریخی متفاوت است امکان زیست در شرایط متفاوت را فراهم می‌کند. شناخت شرایط سکونت در این خانه‌ها از دیدگاه ساکنین، بیانگر ذهنیت آنها نسبت به خانه و انگیزه‌ی ساکنان از انتخاب و تمایل به سکونت در این خانه‌ها می‌باشد.

پژوهش حاضر با هدف "واکوی فرهنگ سکونت در خانه‌های محلات سنتی از دیدگاه ساکنین بر پایه نظریه راپاپورت" به جهت دستیابی به تصمیم‌گیری‌های لازم در بافت‌های قدیمی انجام می‌شود و درصدد آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که در عصر کنونی مردم چه دیدگاهی نسبت به زندگی در محلات سنتی و خانه‌های آن دارند؟ در بررسی موردی با وجود محلات سنتی متعدد در شهر تبریز، محله‌ی سرخاب به لحاظ حفظ گونه‌های مختلف خانه سنتی و جدید برای مطالعه در این زمینه، انتخاب شده است. این محله متحمل دغدغه‌های فراوانی به لحاظ ضعف در تطابق فرهنگ سکونت و انتظارات ساکنین جدید در عصر حاضر و بافت قدیمی و خانه‌های سنتی می‌باشد. لذا پژوهش حاضر، پس از مطالعات نظری که در خصوص خانه و فرهنگ سکونتی و طرح الگوهای نظری فرهنگ سکونتی در خانه (مطابق با روند پژوهش در استراتژی پس‌کاوی) انجام داده است؛ با توجه به پرسش‌ها و اهداف مطرح شده، از ابزار مشاهده غیرمشارکتی برای معرفی و گونه‌بندی خانه‌ها در این محله استفاده کرده است. در مرحله بعدی با هدف شناخت فرهنگ سکونت از دیدگاه ساکنین و استفاده از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته، دیدگاه آنان را نسبت به این گونه خانه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. در پی تحلیل داده‌های حاصل، ارزیابی فرهنگ سکونت در خانه‌های محله سرخاب بدست می‌آید.

۳. پیشینه پژوهش

در حال حاضر مطالعات فراوانی در باب مفاهیم فرهنگ سکونت، خانه و محلات سنتی ارائه شده است. در این بخش با توجه به موضوع پژوهش در ابتدا سه مفهوم "فرهنگ سکونت در خانه"، "سکونت در محلات" و "کارکرد و مفهوم خانه‌های سنتی و جدید در محلات سنتی" به همراه سیر نظریات و پژوهش‌های مرتبط با هر کدام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. در ادامه خلاصه نظریات و پژوهش‌های صورت گرفته در جدول ۱ ارائه می‌گردند:

جدول ۱. نظریات مرتبط با فرهنگ سکونت در خانه

| نظریه پرداز | سال | نام مقاله/کتاب | خلاصه‌ی نظریه | رفرنس |
|-------------------|------|----------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------|
| هایدگر مارتین | ۱۹۵۱ | سخنرانی معروف با عنوان ساختن، سکونت گزیدن و اندیشیدن | سکونت فرآیندی است که آدمی در جریان آن، مکان بودن را تبدیل به خانه می‌کند بطوریکه با توجه دادن به بعد فرهنگی، سکونت فراتر از ساختن یک بنا و اقامت در آن می‌گردد. | (ایلکا، منصوری و سایرین، ۹۴: ۴ و ۸). |
| راپاپورت ایموس | | منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی - خاستگاه‌های فرهنگی معماری | میل به اسکان از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان است. نظریه فرهنگ‌گرایی معتقد است مردم قبل از آنکه به صورت خودآگاه در مورد یک محیط صحبت کرده یا آنرا مورد ارزیابی قرار دهند، بصورتی ناخودآگاه نسبت به آن حس پیدا می‌کنند و تصویر کاملی از آن محیط و ویژگی‌هایش در ذهن آنها شکل می‌بندد. وی برای رابطه فرهنگ و مسکن مفهوم فرهنگ را تجزیه می‌کند و در قلم نخست فرهنگ را نوعی جهان‌بینی و سپس آن را در قالب ارزش قلمداد می‌کند. | (ایلکا، منصوری و سایرین، ۹۴: ۸ و ۱۲). |
| شولتز نوربرگ | ۱۷۸۱ | گزینه‌ای از معماری، معنا و مکان | کالبد خانه تمثیلی از جهان محاط بر انسان و در فرهنگ اقوام، خانه مکان بودن است زیرا در گذشته، انسان‌ها مکان اسکان خود را مرکز عالم می‌دانستند. | خاکپور، انصاری و سایرین، ۹۴: ۴ |
| حجت عیسی | ۱۷۸۱ | سمینار مجموعه گفتارهایی درباره خانه | خانواده دارای روح زندگی است و خانه‌ای که برای او ساخته می‌شود باید هم شان آن باشد. اومانیسم قرن بیستم خانه را فاقد روح زندگی می‌کند. | خاکپور، انصاری و سایرین، ۹۴: ۱۰ |
| الیاده میرچا | ۱۷۸۱ | مقدس و نامقدس | در فرهنگ‌های سنتی، مسکن به سبب انعکاس جهان، جنبه‌ای مقدس دارد. | خاکپور، انصاری و سایرین، ۹۴: ۱۱ |
| باشلار گاستون | ۱۳۵۲ | بوطیقای فضا | خانه مکانی است برای وقوع زندگی روزمره است. زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده‌است. هر فضایی که بتوان در آن مسکن گزید؛ مفهوم خانه را از آن خود می‌کند. | اصلائیان، ذبیحی و سایرین، ۹۶: ۴ |

| | | | | |
|---------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------|----|------------|
| خالکپور، انصاری و سایرین، ۹۴:۱۰ | خانه تنها یک آپارتمان نیست بلکه فضایی صمیمی است که برخی از جنبه‌های معنادار زندگی در آن تجربه می‌شود. | بعد پنهان | ۹۴ | هال ادوارد |
|---------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------|----|------------|

در ارتباط با سکونت در محلات نیز پژوهش‌های متعددی صورت گرفته‌است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های در ارتباط با خلق محلات خوب براساس الگوهای فرهنگی مونتگومری (Montgomery J, 2003)، بهبود کیفیت زندگی در محلات، سازگاری خانه با نیازهای مردم، ارتقاء تصویر ذهنی از محله آلپویی و مانول (Alpopi, C., Manole, C) (۲۰۱۴) اشاره کرد. با مطالعه و تحلیل مطالعات انجام شده درباره محله، دو دیدگاه متفاوت در باب اولویت روابط جمعی یا زندگی خصوصی و یا دوری از سیستم محله‌ای در تحقیقات قابل دسته‌بندی است. در این میان؛ غالب نظریه‌پردازان، دیدگاه میانی بین دو طیف افراطی (تقدیس‌گرایان و منکران محله) در پیش گرفته‌اند. از آن جمله می‌توان به نظر راپاپورت اشاره کرد: وی اعتقاد دارد باور به اهمیت نداشتن محله، باتوجه به اینکه امروزه مردم فراتر از یک قلمرو فضایی زندگی می‌کنند؛ با وجود شواهد مردود است. کماآنکه به نظر می‌آید اهمیت محله بعنوان یک فاکتور حیاتی برای زندگی شهری در حال کاهش است (راپاپورت، ۱۹۷۷ به نقل از زمان‌زاده، ۹۶:۳). بخشی دیگری از مطالعات انجام شده در رابطه با محلات، با موضوعیت سکونت در محلات سنتی هستند که در جدول شماره ۲ به آنها اشاره شده‌است.

جدول ۲. پژوهش‌های مرتبط با سکونت در محلات سنتی

| پژوهشگر | سال | عنوان پژوهش | خلاصه‌ی پژوهش |
|-------------|------|------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| حناچی رضایی | ۱۳۹۴ | بررسی عوامل موثر بر چگونگی سکونت در محلات (نمونه موردی: محله عودلاجان تهران) | آنچه مورد تأکید قرار گرفته، موضوع سکونت در محله است. افراد در محلات مسکن دارند اما سکونت به معنای واقعی در آن رخ نمی‌دهد؛ بدین معنا که با سایر ساکنین و محله ارتباط برقرار نمی‌کنند. این موضوع از معضلات کالبدی محیطی و اجتماعی محله سرچشمه می‌گیرد و منجر به نوعی بی‌علاقگی عمومی نسبت به محله می‌گردد. |

| | | | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------|--------------------------|
| <p>مفهوم محله دارای نقش کلیدی در رویکرد فرهنگی به طراحی شهری است و دیدگاه‌های متنوعی در رابطه با اهمیت و نقش محله مطرح شده‌اند. مرحله اول آن است که عناصر و عوامل شکل‌دهنده محله بگونه‌ای استقرار یابند که بتوانند فضای تعامل بین توده و فضا و ادراک ساکنان را فراهم آورند.</p> | <p>سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر هویت و حس مکان در سیر تحول نظریه محله با رویکرد فراتحلیل</p> | <p>1396</p> | <p>زمانزاده</p> |
| <p>بر اهمیت توجه به جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی در خلق فضاهای کالبدی، در طراحی محلات جدید (مجموعه همسایگی) و خانه‌های مسکونی در محلات تاکید دارد: "امروزه محلات باید بتوانند با تمامی ریزفضاهایشان بستر زندگی فرهنگی- اجتماعی ساکنان و آرامش ادراکی و روانی آنان را فراهم سازند. عوامل مؤثر در شکل‌گیری محله عبارتند از: ویژگی‌های فرهنگی معنایی؛ کالبدی؛ عملکردی."</p> | <p>مطالعه تحولات کالبدی محلات تاریخی با رویکرد حریمیت (مورد مطالعه: محله سستی عزب دفتریلر تبریز)</p> | <p>1396</p> | <p>هاشم پور و یزدانی</p> |
| <p>به بررسی کیفیت ادراک ساکنین از محیط مسکونی در نمونه‌ی موردی محلات مسکونی تبریز می‌پردازد. مفهوم ادراک براساس نیازهای انسانی در سکونت محله‌ای و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی ساکنان مدنظر است و کیفیت سکونت در محله براساس جنبه‌های معماری، عملکردی، زمینه‌ای و روابط اجتماعی مورد سنجش قرار می‌دهد.</p> | <p>ارزیابی عوامل مؤثر بر ادراک ساکنان از کیفیت‌های محیطی محله</p> | <p>1398</p> | <p>رحیمی و کرمی</p> |

با توجه به ملاحظات و نتایج تحقیقات انجام شده پژوهش حاضر در تعریف فرهنگ سکونت از جامعیت نظریه‌ی راپاپورت نسبت به فرهنگ و مولفه‌های فرهنگی بهره گرفته‌است و بر این اعتقاد است که ارزش سکونت در محلات بر اساس نظر ساکنین آنها قابل ارزیابی است. بدین صورت که سعی دارد برخلاف برخی از پژوهش‌های کار شده از قضاوت یک طرفه نسبت به ارزش محلات سستی و جدید اجتناب کرده و با شناسایی فرهنگ سکونت افراد، به واکاوی دیدگاهشان نسبت به سکونت در خانه‌های سستی و جدید در محله بپردازد.

۴. مبانی نظری

الف. سکونت در محلات

محل را می‌توان مفهومی دانست که هریک از حوزه‌های علمی بنا به زمینه‌های نظری خود، به تعریف آن پرداخته‌اند. مرز مشخص، همبستگی و روابط متقابل ساکنان، هویت جمعی، یکپارچگی فضا و فعالیت، خودکفایی و جمعیت متناسب، از مضامین مشترک در تعریف محل بوده‌است (حاتمی‌نژاد، عظیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۵). عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنان، نام و مرزهای کالبدی معرف محله‌ها می‌باشند (خاکپور، شریف‌زاده و شیخی، ۱۳۹۷: ۱۴). محله از نظر راپاپورت، واسطی میان محل سکونت هر فرد با کل شهر است. راپاپورت، محله را به مراتب کوچک‌تر از واحدهای همسایگی مدنظر برنامه‌ریزان شهری دانسته و معتقد است محله بیش از هر چیز یک تعریف ذهنی است که از مولفه‌های اجتماعی و فضایی تشکیل شده است. گستره آن هم برای آن که بتواند مورد توافق همه باشد عموماً با نشانه‌های کالبدی و اجتماعی مشخص شده‌است. او همچنین به این مسئله اشاره دارد که مفهوم محله برای افراد و جمعیت‌های مختلف متفاوت است و نسبت به شاخص‌های سن، جنس، سبک زندگی و... درجه اهمیت کمتر یا بیشتری برای افراد دارد (محمدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۹۱).

ب. فرهنگ سکونت در خانه

فرهنگ برای گروه‌های مختلف در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، معانی مختلفی دارد؛ این مفهوم در طول تاریخ بعنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده سکونتگاه‌های بشری مطرح بوده است (خستو و حبیب، ۱۳۹۵: ۴۱).

درخصوص رابطه انسان و محیط مصنوع، راپاپورت نظریه‌ی خودش را بر مبنای «منشاء فرهنگی مجتمع‌های زیستی» قرار می‌دهد. انسان‌ها برای نیازهای بالاتر و مهم‌تر از سکونت، می‌سازند. در این بین نقش مذهب و نظام‌های اعتقادی بسیار برجسته‌است. انسان در مواجهه با یک جهان بی‌کران، ناشناخته و بی‌نظم، درصدد نظم دادن به محیط اطراف خود برآمده‌است و با عمل ساختن، نظم انسانی و ذهنی مدنظر خود را به جهان بیرونی تحمیل می‌کند. ساختن محیط برای انسان‌ها،

درواقع نوعی تصویری کردن نظمی ذهنی است که معنادهی به جهان و زندگی را انجام می‌دهد (محمدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۸۰-۳۷۹ و ۳۸۵). خانه مقوله‌ای از جنس فرهنگ است. به زبان کارکردگرایانه، خانه نوعی نیاز زیستی است که فرهنگ خانه برای پاسخ‌گویی به این نیاز شکل گرفته است و در کلیت نظام اجتماعی و فرهنگ انسانی ادغام و سازگار شده است. (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۱). دراین راستا، مسکن تنها ساختار کالبدی نیست، بلکه نهادی چندعملکردی با ابعاد مختلف می‌باشد. شکل‌گیری مسکن تابع عوامل فرهنگی، اقلیمی، اقتصادی، معیشتی و تکنیک ساخت جامعه استفاده‌کننده است. مسکن علاوه بر تامین سرپناه که به‌عنوان نیاز اولیه انسان بشمار می‌آید و یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر شیوه زندگی و الگوی فرهنگی سکونت می‌باشد (انصاری، ۱۳۹۴: ۳). فرهنگ خانه از منظر انسان‌شناختی مجموعه ارزش‌ها و معانی است که چستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه را تعیین می‌کند. در کنار این واژه سکونت تعیین‌کننده‌ی موقعیت و هویت است (ایلکا، منصوری و سایرین، ۱۳۹۴: ۱۲). با بررسی خانه و چگونگی سکونت در آن می‌توان به فرهنگ سکونت ساکنین و تحولات آن مطابق با تغییرات شیوه زندگی در طول تاریخ دست یافت.

ج. مولفه‌های فرهنگ سکونت از دیدگاه آموس راپاپورت در محلات سستی

امروزه علی‌رغم ارزش‌های فرهنگی موجود در محلات سستی، مساله ناکارآمدی خانه‌ها در محلات سستی در مواجهه با نیازهای ساکنین که تحت شرایط و تغییرات شیوه‌های جدید زندگی به وجود آمده است؛ سبب تمایل نداشتن شهروندان برای سکونت در این خانه‌ها شده است. از این رو با توجه به افت شدید کیفیت زندگی در مسکن محلات سستی می‌توان گفت ضرورت برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کیفیت زندگی در آنها اجتناب‌ناپذیر است (آصفی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷: ۱). انسان‌ها از ابعاد مختلفی نیاز به مسکن را در وجود خود احساس می‌کنند. ابعادی که بطور منسجم، در شرایط زندگی و نحوه سکونت افراد تأثیر گذاشته و باعث سرزندگی بیشتر افراد نسبت به محل زندگی خود می‌شود. مسکن از ابعاد مختلف قابل بررسی است که این ابعاد در سه بخش اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و کالبدی قابل تفکیک است. بسیاری از نظریه‌پردازان در باب فرهنگ مفاد قابل توجهی را مورد بحث قرار داده‌اند که آنکه نظریه راپاپورت نسبت به سایرین

بیش‌ترین جامعیت را درباره‌ی رابطه فرهنگ و خانه (مسکن - سکونت و ...) دارا می‌باشد. راپاپورت برای محدود کردن فرهنگ در ارتباط با شکل خانه، ابتدا به کشف لایه‌های پنهان آن می‌پردازد و فرهنگ را منشا جهان‌بینی و جهان‌بینی را منشا ارزش‌ها و ارزش‌ها را به‌عنوان عوامل اصلی سازنده‌ی شیوه‌ی زندگی معرفی می‌کند که با جهت دادن به فعالیت‌ها و چگونگی انجام آنها، بصورت بلافصل بر ایده‌آل‌های مردم در مورد شکل خانه تاثیر می‌گذارد (یزدانفر، حسینی و زروی، ۱۳۹۲: ۵). محلات سنتی با ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فراوان بستر الگوهای سکونت در خانه‌های شکل‌گرفته در ادوار تاریخی را به عرصه ظهور می‌رساند. محلات سنتی شاهد گونه‌های مختلف خانه‌های تاریخی، قدیمی و جدید هستند که هر کدام شرایط سکونت متفاوتی را می‌طلبند. هم‌پیوندی کالبدی این خانه‌ها در بافت بر فرهنگ سکونت ساکنان در این محلات تاثیرگذار می‌باشد.

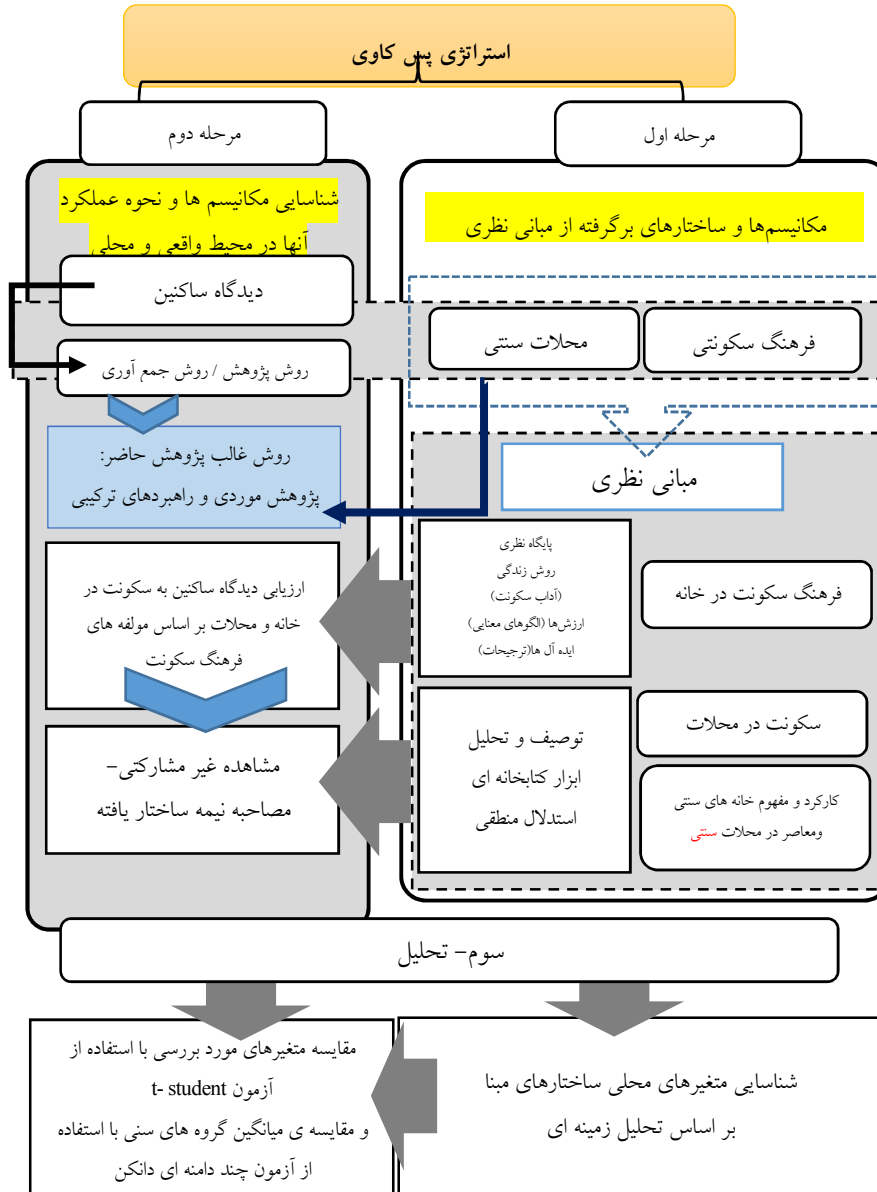
از دریچه‌ای متفاوت نسبت به مطالعات صورت‌گرفته در زمینه‌ی تبیین ارزش‌های محلات سنتی و تفاوت آن با بافت معاصر^۲ و با توجه به هدف اصلی، پژوهش حاضر درصدد است با استخراج مولفه‌های فرهنگ سکونت از نظریه راپاپورت و نظرسنجی از افراد محله بر اساس این مولفه‌ها و تحلیل مفاد دیدگاه ساکنین، نقد صحیحی از زندگی در محلات سنتی ارائه دهد. در این راستا^۳ سه مولفه‌ی مستخرج از نظریه‌ی فرهنگ سکونت راپاپورت شامل سبک زندگی، ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها در قالب آداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات؛ پایه نظری پژوهش قرار گرفته و در نمونه مورد مطالعه، ارزیابی می‌شود لازم به ذکر است که در این پژوهش منظور از آداب سکونت روش معمول زندگی فردی/گروهی و قرارگاه‌های رفتاری فعالیت‌های زندگی؛ الگوهای معنایی بعنوان هنجارهای جهت‌دهنده‌ی چگونگی زندگی و ترجیحات بعنوان عوامل بروز انتخاب‌های مختلف شناخته می‌شوند (علی پور و سایرین، ۱۳۹۹: ۶-۴). به عبارتی آداب سکونت نمایان‌گر فعالیت‌ها و رفتارها در زندگی ساکنین، الگوهای معنایی معادل با ارزش‌ها و هنجارها و ایده‌آل‌ها به منزله‌ی علایق و ترجیحات سکونت، انتخاب‌های افراد را تعیین می‌کند.

۵. روش پژوهش

با توجه به چندمرحله‌ای بودن پژوهش و لزوم تلفیق روش‌های تحقیق (گروت، وانگ، ۱۳۸۴: ۳۶۱) در پاسخگویی به هدف اصلی پژوهش از پژوهش موردی و روش‌های

ترکیبی (گروت، وانگ، ۱۳۸۴: ۳۴۷-۳۴۱) استفاده شده است (تصویر ۱). استراتژی کل تحقیق پس‌کاوی است. در استراتژی پس‌کاوی، یک نظریه از طریق اثبات موجودیت ساختار و یا مکانیسم فرضیه‌پردازی شده‌ای حاصل می‌شود که مسئول ایجاد توالی منظم مورد مشاهده است. یا اینکه تلاش می‌شود نشان داده شود کدام یک از ساختارها یا مکانیسم‌های شناخته شده مسئول ایجاد نظم‌های مشهود هستند و تحت چه شرایطی عمل می‌کنند (بلیکی، ۱۳۹۲: ۲۳۴). بنابراین بر مبنای این استراتژی، ساختارها و مکانیسم‌های مولدی وجود دارند که مبنای کار پژوهشی قرار می‌گیرند و طبق فرآیند تحقیق با انتخاب روش‌های متناسب با موضوع می‌توانند به تحلیل‌هایی از سازوکارهای موجود و محلی منتهی شوند. با توجه به ماهیت استراتژی مورد نظر و هدف اصلی پژوهش و نیز لزوم انتخاب یک نظریه مبنا جهت شناخت و ارزیابی ساختارهای موجود، نظریه آموس راپاپورت به عنوان پایگاه نظری پژوهش حاضر انتخاب شده است و مطابق با آن روش‌های استفاده شده در مراحل این مسیر توصیف، تحلیل و پیمایش بوده است. با استفاده از روش توصیفی تحلیلی اطلاعات مورد نیاز در باب دو موضوع فرهنگ و نحوه‌ی سکونت در خانه‌های محلات سنتی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اسنادی معتبر گردآوری شده و مفاد اساسی آن در قالب پیشینه و مبانی نظری عنوان گردیده است. سه مولفه‌ی فرهنگ سکونت شامل سبک زندگی، ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها در قالب آداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات بعنوان پایه نظری ساختارها یا مکانیسم‌های شناخته شده و در مرحله بعدی ساختار منتخب با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، در مقیاس محلی برای شناخت ابعاد جدید و شرایط محلی عملکرد ساختار مبنا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در راستای سوال اصلی پژوهش و لزوم برخورداری از دیدگاه ساکنین در بحث مطالعه موردی از ابزار مشاهده غیرمشارکتی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شده است. جامعه‌ی آماری کلیه ساکنین محله بوده و با توجه به ماهیت کیفی پژوهش و وجود گونه‌های سنتی و جدید روش نمونه‌گیری از نوع غیرتصادفی و به شیوه‌ی هدفمند سهمیه‌ای انتخاب شده است و مصاحبه تا حد اشباع داده‌ها به تعداد ۳۰ نفر ادامه یافته است. در این مرحله، مقوله‌های ذیل هر مولفه براساس پاسخ‌های دریافت شده از ساکنین بصورت کلیدواژگان مختصر مقوله‌بندی می‌شوند. در ادامه‌ی تحلیل‌ها، مقایسه خانه‌های سنتی و جدید برای متغیرهای مورد بررسی با استفاده از آزمون (t- student) و مقایسه‌ی میانگین گروه‌های سنی با استفاده از آزمون چنددامنه‌ای دانکن صورت می‌گیرد و همبستگی صفات و تجزیه‌ی واریانس

برروی گروه‌های سنی انجام می‌شود. نوع خانه‌ای که ساکنین پاسخگو در آن سکونت دارند در برابر پاسخ مشخص شده‌است. تحلیل دقیق آمارها با توجه به درصد و نوع نظرات ساکنین خانه‌های سنتی و جدید صورت می‌پذیرد.



تصویر ۱- ساختار و مراحل تحقیق

روایی پژوهش از نوع محتوایی است بدین صورت که در ابتدا سه مولفه‌ی اصلی فرهنگ سکونت مستقیماً برگرفته از پژوهش‌های "آموس راپاپورت" در باب فرهنگ سکونت می‌باشد. براین اساس پرسش‌های مرتبط با این سه مولفه در خانه و محله توسط نگارندگان تدوین گردیده و توسط ۱۰ نفر از اساتید دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفته‌است. به منظور روایی کار، اعتبار خود مقولات توسط همکاران و اعضای تیم تحقیق و سپس از سوی همتایان علمی در موضوع بررسی شد. پس از تصحیح موارد، برای تأمین پایایی پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، در سنجش پایایی، آلفای کرونباخ ۰/۸ به دست آمد که با توجه به مقدار قابل قبول آن، پایایی پژوهش تأیید شد.

۶. محدوده مورد مطالعه

محله سرخاب از محلات سنتی و شمالی شهر تبریز است. این محله در شمال شرقی هسته مرکزی شهر در حد فاصل محله‌های سنتی شتربان و باغمیشه قرار دارد و بخش‌های زیادی از آن قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی (قبل از مدرنیسم) ساخته شده‌است (آذر و حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۷: ۱۱). مساحت محله حدود ۹۲ هکتار می‌باشد که کاربری‌های مسکونی (۶۲٪)، آموزشی (۲۶٪)، تجاری (۲۶٪)، خدمات روبنایی (۳۹٪) و ابنیه‌ی سنتی (۲۸۸۷٪) را دربر می‌گیرد. از جمله بناهای مهم این محدوده، درب سرخاب، کاروانسرای مهدی خان فراشباشی، کاروانسرای افراشباشی، کاروانسرای مشیرالدوله، خانه مهدی خان فراشباشی و کاروانسرای حاج سیدحسین و چند خانه تاریخی دیگر می‌باشد که در حال حاضر، درب سرخاب و خانه مهدی خان فراشباشی به‌انضمام حمام مهدی خان (خانه سرخه‌ای)، خانه شربت‌اوغلی و تعداد معدودی از خانه‌های تاریخی برجای مانده‌است^۴. در کنار خانه‌های تاریخی، برخی از واحدهای مسکونی در این بافت در حال ساخت هستند و برخی با زمان ساخت کمتر از حداکثر ده سال به عنوان مساکن نوساز در بافت شناسایی می‌شوند. تعدادی دیگر از این واحدها با عمر بالاتر از ۱۰ سال، به عنوان مساکن نوساز تلقی نمی‌شوند. ولی در نوع خود در مقایسه با خانه‌های قدیمی موجود در بافت، جدید و باکیفیت هستند.

در کنار خانه‌های تاریخی، خانه‌های سنتی و جدید در این محله وجود دارند. خانه‌های سنتی که در دو طبقه و با حیاط و به شکل ویلایی می‌باشند و خانه‌های جدید که به شکل آپارتمانی و در چند طبقه ساخته شده‌اند. وجود سه‌گونه خانه در این مرحله شرایط بررسی

دیدگاه ساکنین نسبت به این تنوع خانه‌ها که در ادوار تاریخی مختلف شکل گرفته‌اند را فراهم می‌کند. محله سرخاب از دو نیمه شمالی و جنوبی که به لحاظ کالبدی و عملکردی متفاوت هستند تشکیل شده‌است. نیمه جنوبی محله دارای ابنیه ارزشمند سنتی است و محدوده درون دروازه‌های شهر قدیم تبریز را شامل می‌شود. اما در نیمه شمالی محله، سکونت‌گاه‌های غیررسمی شکل گرفته‌اند که به لحاظ معیشتی، معضلات اجتماعی و عدم برخورداری از خدمات روبنایی و تاسیسات زیربنایی نامطلوب است (نژاد ابراهیمی و نژادغی، ۱۳۹۷: ۵). معابر محله سرخاب علاوه بر سازگاری با اقلیم و محیط، منطبق با شیوه اعتقادی و روش زندگی ساکنان شکل گرفته و فرم ارگانیک و منعطف دارند (نژادغی، ۱۳۹۸: ۱۳۵-۱۳۰) (اشکال ۲-۵).



تصویر ۲. نقشه‌ی ترسیم شده از محله‌ی سرخاب با استفاده از نقشه‌ی موجود در سایت شهرداری.



تصویر ۳. تصاویری از یک نمونه خانه تاریخی قاجار در محله‌ی سرخاب (از راست به چپ خانه سرخه‌ای و خانه دکتر شاهد)



تصویر ۴. تصاویری از یک نمونه خانه سنتی پهلوی در محله‌ی سرخاب (خانه آقای علیزاده)



تصویر ۵. تصاویری از یک نمونه خانه جدید در محله‌ی سرخاب (آپارتمان مفتوح)

۷. بحث و تحلیل داده‌ها

پس از انتخاب محله‌ی سرخاب با تنوع گونه‌های سنتی و جدید، مفاد حاصل از مطالعات نظری بر روی ساکنین خانه‌های سنتی و جدید (حد اشباع ۳۰ نفر) مورد ارزیابی قرار گرفت تا ارزیابی دقیقی از نظرات ساکنین این محله نسبت به آداب، ارزش‌ها و ترجیحات سکونتی‌شان در خانه‌ها انجام شود. بدینصورت با نظرسنجی مستقیم از ساکنین و با توجه به نقاط قوت و ضعف خانه‌های سنتی و جدید در محله، دیدگاه ساکنین امروزی در مورد تمایل به سکونت در این خانه‌ها و همچنین در محلات سنتی و جدید ارزیابی شد. با توجه به اینکه فرهنگ سکونت در خانه و محله در قالب آداب سکونتی (شیوه‌ی زندگی)، الگوهای معنایی (ارزشها) و ترجیحات تعریف می‌شود؛ سوالاتی برای ساکنین تنظیم شد. در این سوالات که به دو حیطه محله و خانه توجه شده‌است. پاسخ‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و بدون ارائه گزینه می‌باشند. در طی تحلیل‌های انجام شده در این مرحله که بصورت کیفی بوده است- گزاره‌ها با توجه به مضامین و مفاهیم و به روش زمینه‌ای مقوله‌بندی شدند و در چارچوب نظریه پایه نامگذاری و در جداول شماره ۳، ۴ و ۵ به تفکیک سه مولفه اصلی پژوهش قرار داده شدند.

در جدول شماره ۳ مقوله‌هایی که ساکنین خانه‌های سنتی و جدید در محله‌ی سرخاب تحت عنوان آداب سکونت در خانه و محله مطرح نموده‌اند در پاسخ به سوالات مربوطه (به مضامین سوالات در ستون اول جدول اشاره شده است) به تفکیک بیان شده و با بیان درصد مقولات؛ مهمترین مقوله‌های مرتبط با آداب سکونت در خانه و محله مشخص می‌گردند.

جدول ۳. درصد اهمیت عوامل موثر بر آداب سکونت در خانه های سنتی و جدید

| مضامین سوالات | عوامل موثر بر آداب سکونت در خانه سنتی | درصد | عوامل موثر بر آداب سکونت در خانه جدید | درصد |
|---------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| علت انتخاب محله سنتی برای زندگی و ویژگی های آن | اجبار مالی | ۵۰٪ | هویت و اصالت و محلات سنتی | ۷۲٪ |
| | شرایط خانوادگی | ۳۰٪ | شرایط خانوادگی | ۱۴٪ |
| | هویت و اصالت محلات سنتی | ۲۰٪ | اجبار مالی | ۱۴٪ |
| علت انتخاب خانه و مهم ترین ویژگی های آن در جهت بهبود روابط میان اعضا و با مهمان | سکونت اجباری از روی اجبار مالی و نارضایتی از ویژگی های خانه | ۵۰٪ | سکونت اجباری و نارضایتی از خانه انتخاب خانه به اجبار و برخلاف میل باطنی است علت انتخاب این خانه نزدیکی آن به محل کار همسر و خانه پدری است. از فضای پذیرایی برای مهمانداری استفاده می کنند و فضای اختصاصی برای مهمان ندارند. | ۱۴٪ |
| | ویژگی های مثبت خانه برای بهبود روابط اعضا ۱- وجود حیاط برای تجمع ۲- محله خوب و همسایگان آن ۳- خانه ارث پدری و زندگی در کنار بستگان ۴- وجود فضاهای کافی برای زندگی در خانه | ۵۰٪ | رضایت از خانه به جهت ویژگی های مثبت آن ابعاد مناسب، تعداد فضاها، جدا بودن فضای اختصاصی مهمان، نوساز بودن خانه و تعلق خاطر داشتن به محله | ۸۶٪ |

واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های ... (پریسا هاشم‌پور و دیگران) ۱۲۵

در جدول ۴ مقوله‌هایی که ساکنین خانه‌های سنتی و جدید در محله‌ی سرخاب تحت‌عنوان الگوهای معنایی در خانه و محله مطرح نموده‌اند در پاسخ به سوالات مربوطه به تفکیک بیان شده و با تبیین درصد مقولات؛ مهمترین مقوله‌های مرتبط با الگوهای معنایی در خانه با نگرش مثبت، منفی و خنثی مشخص می‌گردند.

جدول ۴. درصد اهمیت عوامل موثر بر الگوهای معنایی در خانه های سنتی و جدید

| مضامین سوالات | الگوهای معنایی در خانه سنتی | درصد | الگوهای معنایی در خانه جدید | درصد |
|-------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| نوع نگرش ساکنین نسبت به اهمیت وجود خانه‌ها از دوران مختلف در محله | نگرش منفی: وجود خانه‌های سنتی سبب بی‌نظمی در محله شده است و بافت سنتی زندگی را مشکل کرده است- بافت سنتی سبب ارزش و هویت محله می‌گردد ولی از طرفی سبب بروز مشکلاتی از قبیل نبود پارکینگ تجمع زباله‌ها و ازدحام و شلوغی می‌گردد. | ٪۱۰ | نگرش مثبت: بافت سنتی را دوست دارند و سکونت در محله سنتی را بهتر می‌دانند. معتقدند خانه سنتی به محله اعتبار می‌بخشد و خانه‌های جدید هویت ندارد. به خانه‌های سنتی علاقه و حس تعلق دارند. خانه‌های قدیمی به محله زیبایی می‌بخشند. | ٪۸۶ |
| | اهمیت و تاثیری ندارد. نگرش خنثی: | ٪۳۰ | | |
| | نگرش مثبت: سبب حفظ ارزش محله می‌شود و اعتبار آن بالا می‌رود. باعث هویت و اصالت محله می‌شوند و وجود آن‌ها در محله ضروری است. زندگی در چنین محله‌های آرامش به دنبال دارد. | ٪۶۰ | نگرش منفی: وجود خانه‌های تاریخی تاثیری ندارد باید تخریب شوند و خانه‌های جدید ساخته شود. | ٪۱۴ |
| | | | | |

واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های ... (پریسا هاشم‌پور و دیگران) ۱۲۷

در جدول ۵ مقوله‌هایی که ساکنین خانه‌های سنتی و جدید در محله‌ی سرخاب تحت‌عنوان ترجیحات مطرح نموده‌اند در پاسخ به سوالات مربوطه به تفکیک بیان شده و با تبیین درصد مقولات؛ مهمترین مقوله‌های مرتبط با ترجیحات در خانه و محله در کادر درون جدول مشخص می‌گردند.

جدول ۵. درصد اهمیت عوامل موثر بر ترجیحات در خانه‌های سنتی و جدید

| درصد | ترجیحات در خانه جدید | درصد | ترجیحات در خانه سنتی | مضامین سوالات |
|------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۴٪ | <p>محلّه و خانه جدید:</p> <p>زندگی در محله‌های جدید و خانه جدید بهتر است زیرا فرهنگ ساکنین آن بالا بوده و زندگی راحت‌تر است. خانه‌ی سیصد چهارصدمتری با حیاط بزرگ که در آن به کاشت درخت و گیاه مشغول شوند. خانه جدید و نوساز با متراژ بالا در محله اعیان نشین و طراحی داخلی لوکس با نورگیری بالا، وجود اتاق کار مناسب.</p> | ۴۰٪ | <p>محلّه و خانه‌ی جدید:</p> <p>ترجیح زندگی در محله‌ی جدید به دلیل تمیز و شیک بودن، سطح فرهنگ بالا و رعایت آرامش و سکوت.</p> <p>خانه‌ی آرام و دنج بدون مزاحمت و آلودگی صوتی؛ خانه‌ی اتاق‌دار با ابعاد بزرگ و حیاط آرام همراه فضاهای اختصاصی مهمان و نورگیر.</p> | <p>ترجیح ساکنین برای زندگی در محله‌های جدید با آپارتمان‌های بلندمرتبه (جدید) است یا محلات سنتی با خانه‌های تاریخی (ویژگی‌های یک خانه‌ی ایده آل در ذهن ساکنین)</p> |
| ۸۶٪ | <p>محلّه سنتی خانه جدید:</p> <p>زندگی در محلات سنتی به دلیل اصالت محلّه، همسایگان خوب و صمیمیت محله‌های قدیمی</p> <p>ترجیح زندگی در خانه‌های نوساز ولی شخصی، ابعاد خانه بزرگ و تعداد فضاها زیاد. خانه‌ای دل‌باز با</p> | ۳۰٪ | <p>محلّه و خانه سنتی:</p> <p>ترجیح محلات سنتی به دلیل قدمت، اصالت و هویت، علاقه‌ی درونی و شرایط مالی.</p> <p>خانه‌ی بزرگ، حیاط‌دار، مطابق با الگوی خانه‌های سنتی و مملو از سکوت و آرامش.</p> | |

| | | | |
|--|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|
| | <p>نورگیری زیاد و فضای کار مناسب همانند خانه فعلی خود؛ همچنین وجود حیاط.</p> <p>ترجیح به زندگی در خانه‌های نوساز ولی در محله‌های سنتی است به دلیل آرامش و اصالت محله‌های سنتی. محله‌ای آرام و خانه‌ای شخصی و غیرآپارتمانی. خانه‌ی دو طبقه حیاط‌دار و نوساز؛ یک طبقه مخصوص مهمان و یک طبقه برای خانواده که اتاق کافی دارد برای فرزند خانواده.</p> | <p>محلّه سنتی خانه جدید:</p> <p>ترجیح زندگی در محله‌های سنتی به دلیل اصالت و خانه‌های جدید با حیاط به دلیل داشتن فضای مناسب برای ماشین در حیاط و ابعاد فضای داخلی متناسب با تعداد اعضای خانواده. شیک و تمیز بودن خانه. شرایط اقلیمی مناسب و کنار هم قرار گرفتن فضاهای اصلی خانه.</p> | |
| | <p>نورگیری زیاد و فضای کار مناسب همانند خانه فعلی خود؛ همچنین وجود حیاط.</p> <p>ترجیح به زندگی در خانه‌های نوساز ولی در محله‌های سنتی است به دلیل آرامش و اصالت محله‌های سنتی. محله‌ای آرام و خانه‌ای شخصی و غیرآپارتمانی. خانه‌ی دو طبقه حیاط‌دار و نوساز؛ یک طبقه مخصوص مهمان و یک طبقه برای خانواده که اتاق کافی دارد برای فرزند خانواده.</p> | <p>هر دو:</p> <p>زندگی در محله‌های سنتی با خانه‌های سنتی و سکونت در خانه‌های جدید و محله‌های جدید را دوست دارد. خانه‌ای با تعداد اتاق‌های زیاد و فضای پذیرایی بزرگ و نورگیری کافی.</p> | |

در مرحله بعدی و با استفاده از نتایج تحلیل‌های مرحله اول، جهت شناسایی مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار ذیل هر مولفه در خانه‌های سستی و جدید به ترتیب آزمون‌های تی‌استیودنت و پیرسون انجام شد.

نتایج حاصل از آزمون تی‌استیودنت (جدول ۶) نشان داد که بین متغیرهای اجبار مالی، شرایط خانوادگی، هویت و اصالت محله سستی، سکونت اجباری و نارضایتی از خانه و ویژگی‌های مثبت خانه در مولفه آداب سکونت، نگرش مثبت در مولفه الگوهای معنایی و متغیر محله و خانه جدید در مولفه ترجیحات، اختلاف معنی‌داری در سطح احتمال پنج درصد وجود دارد در صورتیکه در مورد متغیرهای دیگر مورد بررسی اختلاف معنی‌داری بین خانه‌های سستی و جدید وجود نداشت.

جدول ۶. مقایسه خانه‌های سستی و جدید از طریق آزمون t-student برای متغیرهای مورد بررسی

| مؤلفه | متغیر | میانگین خانه‌های سستی | میانگین خانه‌های جدید | مقدار t | سطح احتمال معنی‌داری p-value |
|----------------|---------------------------------|-----------------------|-----------------------|---------|------------------------------|
| آداب سکونت | اجبار مالی | ۱۶/۶۶ | ۴/۶۳ | ۳/۵۸۷ | ۰/۰۲۳ |
| | شرایط خانوادگی | ۶/۶۶ | ۲۳/۳۳ | ۲/۹۰۶ | ۰/۰۴۴ |
| | هویت و اصالت محله سستی | ۱۶/۶۶ | ۵/۷۷ | ۳/۵۸۷ | ۰/۰۲۳ |
| | سکونت اجباری و نارضایتی از خانه | ۱۶/۶۶ | ۴/۶۳ | ۳/۵۸۷ | ۰/۰۲۳ |
| | ویژگی‌های مثبت خانه | ۱۶/۶۶ | ۲۸/۰۰ | ۴/۵۳۲ | ۰/۰۱۱ |
| الگوهای معنایی | نگرش منفی | ۳/۳۳ | ۴/۶۶ | ۰/۲۳۲ | ۰/۸۲۸ |
| | نگرش مثبت | ۱۶/۶۶ | ۲۸/۰۰ | ۴/۵۳۲ | ۰/۰۱۱ |
| ترجیحات | محله و خانه جدید | ۱۶/۶۶ | ۴/۶۳ | ۳/۵۸۷ | ۰/۰۲۳ |
| | محله و خانه سستی | ۱۰/۰۰ | ۳/۳۳ | ۱/۰۰ | ۰/۳۷۴ |
| | محله سستی و خانه جدید | ۶/۶۶ | ۲۸/۰۰ | ۲/۰۳۶ | ۰/۱۱۱ |

همچنین ارتباط بین متغیرها به وسیله ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد که نشان داد (جدول ۷) ارتباط معنی‌داری میان اجبار مالی با هویت و اصالت محله سستی و همچنین سکونت اجباری و نارضایتی از خانه در سطح احتمال یک درصد وجود دارد. بین شرایط

واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های ... (پریسا هاشم‌پور و دیگران) ۱۳۱

خانوادگی و متغیرهای ویژگی‌های مثبت خانه، نگرش مثبت و محله سستی و خانه جدید ارتباط همسو و معنی‌داری در سطح احتمال پنج درصد وجود داشت. و نیز بین سکونت اجباری و نارضایتی از خانه، محله و خانه جدید نیز ارتباط همسو و معنی‌دار در سطح احتمال یک درصد بدست آمد. ویژگی‌های مثبت خانه با نگرش مثبت به خانه هم رابطه معنی‌دار یک درصد داشتند.

جدول ۷. ضریب همبستگی صفات مورد بررسی

*: معنی‌داری در سطح احتمال ۵٪

** : معنی‌داری در سطح احتمال ۱٪

| متغیر | اجبار مالی | شرایط خانوادگی | هویت و اصالت محله سستی | سکونت اجباری و نارضایتی از خانه | ویژگی‌های مثبت خانه | نگرش منفی | نگرش مثبت | محله و خانه جدید | محله و خانه سستی | محله سستی و خانه جدید |
|---------------------------------|------------|----------------|------------------------|---------------------------------|---------------------|-----------|-----------|------------------|------------------|-----------------------|
| اجبار مالی | ۱ | | | | | | | | | |
| شرایط خانوادگی | -۰/۵۳۹ | ۱ | | | | | | | | |
| هویت و اصالت محله سستی | ۱** | -۰/۵۳۹ | ۱ | | | | | | | |
| سکونت اجباری و نارضایتی از خانه | ۱** | -۰/۵۳۹ | ۱** | ۱ | | | | | | |
| ویژگی‌های مثبت خانه | ۰/۷۹۰ | ۰/۹۰۳* | -۰/۷۹۰ | -۰/۷۹۰ | ۱ | | | | | |
| نگرش منفی | ۰/۰۷۸ | ۰/۳۷۷ | ۰/۰۷۸ | ۰/۰۷۸ | ۰/۰۲۸ | ۱ | | | | |

| | | | | | | | | | |
|------------------------|-------|--------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| نگرش مثبت | ۰/۸۹۰ | ۰/۹۰۳* | ۰/۸۹۰ | ۰/۸۹۰ | ۱** | ۰/۲۸ | ۱ | | |
| محلّه و خانه جدید | ۱ | ۰/۵۳۹ | ۱** | ۱** | ۰/۸۹۰ | ۰/۷۸ | ۰/۸۹۰ | ۱ | |
| محلّه و خانه سستی | ۰/۶۹۵ | ۰/۳۵۴ | ۰/۶۹۵ | ۰/۶۹۵ | ۱۳ | ۰/۵۵ | ۱۳ | ۰/۶۹۵ | ۱ |
| محلّه سستی و خانه جدید | ۰/۵۰۲ | ۰/۸۷۷* | ۰/۵۰۲ | ۰/۵۰۲ | ۰/۸۹۴ | ۰/۳۴۰ | ۰/۸۹۴ | ۰/۵۰۲ | ۰/۲۲۹ |

برای بررسی اختلاف بین گروه‌های سنی از نظر آداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات از تجزیه واریانس یکطرفه استفاده شد که نتایج حاصل نشان داد (جدول ۸) بین گروه‌های سنی از نظر متغیرهای مذکور اختلاف معنی‌داری در سطح احتمال پنج درصد وجود داشت.

جدول ۸ تجزیه واریانس برای گروه‌های سنی مورد بررسی

| میانگین مربعات (MS) | | | درجه آزادی | منابع تغییر |
|---------------------|----------------|------------|------------|----------------|
| ترجیحات | الگوهای معنایی | آداب سکونت | | |
| ۲۳۳/۳۳۳* | ۲۶۶/۶۶۷* | ۱۸۶/۶۶۷** | ۲ | تیمار |
| ۲۲/۲۲۲ | ۲۰/۰۰۰ | ۴۶/۶۶۷ | ۱۲ | اشتباه آزمایشی |

هم‌چنین با توجه به اطلاعات توصیفی پرسش‌شوندگان، برای مشخص شدن ارتباط میان متغیر گروه سنی و مولفه‌های پژوهش، آزمون چند دامنه‌ای دانکن انجام شد. نتایج حاصل از مقایسه میانگین متغیرهای موردنظر با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای دانکن (جدول ۹) نشان داد از نظر آداب سکونت، گروه‌های میانسال و پیر دارای بیش‌ترین میانگین و با گروه جوان اختلاف معنی‌داری داشتند. از نظر الگوهای معنایی و ترجیحات گروه میانسال با اختلاف معنی‌داری نسبت به گروه‌های پیر و جوان دارای بیش‌ترین میانگین بود.

جدول ۹. مقایسه میانگین گروه‌های سنی بر اساس آزمون چند دامنه ای دانکن
حروف مشترک بیانگر اختلاف غیرمعنی دار بین گروه‌های سنی است.

| گروه سنی | آداب سکونت | الگوهای معنایی | ترجیحات |
|----------|------------|----------------|---------|
| جوان | ۸b | ۵ b | ۳/۳۳b |
| میانسال | ۲۰ a | ۲۵ a | ۲۰ a |
| پیر | ۱۲ ab | ۵ b | ۶/۶۶ b |

۸. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دلیل ماهیت کیفی و چند مرحله‌ای خود با بهره‌گیری از استراتژی پس‌کاوی و روش‌های منتخب در ذیل آن، در مراحل مختلف از روش تحقیق و تحلیل متناسب استفاده کرده‌است؛ گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها در حیطه‌ی سه مولفه آداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات به محلی‌سازی مقوله‌ها پرداخته‌است و در نهایت نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها طبق سوالات منتج از سه بخش آداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

فرهنگ سکونت در خانه‌های سنتی و جدید تفاوت‌هایی را از نظر تطابق با فرهنگ کنونی با کالبد خانه دارد. مقایسه خانه‌ها این تفاوت‌ها را در متغیرهای بدست آمده نشان می‌دهد. در مولفه آداب سکونت، متغیر اجبار مالی در خانه سنتی که تفاوت معنادار با خانه جدید دارد، تمایل مردم به سکونت در خانه جدید را در صورت داشتن امکان مالی نشان می‌دهد. احتمالاً ساکنین خانه‌های سنتی از کمبود امکانات رنج برده و در وهله اول امکانات کالبدی بعنوان نیازهای اولیه برای آنها مطرح بوده است. در ادامه نیازهای متعالی‌تری برای آنان اهمیت داشته که این ترتیب در مصاحبه با ساکنین خانه‌های جدید که امکانات کالبدی بیشتری در اختیار داشتند بصورت معکوس عمل نموده‌است.

شرایط و روابط خانوادگی که در سکونت در محلات اهمیت داشته و موجب ایجاد محیط صمیمی برای روابط خانوادگی و اجتماعی می‌شود. این متغیر در مقایسه خانه‌های سنتی و جدید اختلاف معنادار داشته‌است و ساکنین خانه‌های جدید تمایل بیش‌تری به سکونت در محله سنتی با روابط اجتماعی دیرین داشته‌اند این مورد در ساکنین خانه‌های

سنتی کم‌تر بوده‌است و میتوان نتیجه‌گرفت شرایط کالبدی خانه در اولویت بالاتری نسبت به روابط خانوادگی قرار دارد.

هویت و اصالت محلات سنتی فاکتور مهم فرهنگی در محلات سنتی است که برای ساکنین خانه‌های جدید از اهمیت بالاتری برخوردار است که می‌تواند در انتخاب محله سنتی برای سکونت تاثیرگذار باشد. ویژگی‌های مثبت خانه که برپایه فرم و کالبد خانه و روابط فضایی حاکم از جمله تعدد فضاها و ابعاد مناسب آن‌ها در خانه، فضای اختصاصی مجزا برای مهمان، نوسازبودن خانه و داشتن حیاط و فضای باز کافی در مصاحبه‌ها ذکر شده‌اند در خانه‌های جدید شرایط بهتر داشته‌است و از این نظر با خانه سنتی اختلاف معنادار وجود داشته‌است. علی‌رغم اینکه بعضی از موارد ذکر شده مانند داشتن حیاط در خانه سنتی وجود دارد در حالت کلی از دید ساکنان در خانه‌های جدید شرایط مطلوب‌تری حاکم بوده‌است. و این موید این مساله است بهسازی و نوسازی خانه‌های قدیمی برای مردم اهمیت زیادی دارد.

در مولفه الگوهای معنایی بین متغیرهای بدست آمده در خانه سنتی و جدید اختلاف معناداری در قالب نگرش‌های مثبت و منفی وجود دارد. ساکنین خانه‌های سنتی با نگرش مثبت به محله‌ی سرخاب به دلیل اصالت و آرامش آن را ارزشمند قلمداد کردند و وجود خانه تاریخی را در مجاورت خانه‌های خود موثر در اصالت محله معرفی کردند. تعداد کم‌تری با نگرش منفی ضمن خاطر نشان کردن هویت محله، آن‌را دارای مشکلات فراوانی از جمله بی‌نظمی حاصل از وجود خانه‌های سنتی فرسوده، ازدحام، شلوغی، نبود پارکینگ و تجمع زباله دانستند. ساکنین خانه‌های جدید به ارزشمندی و تعلق در بافت و خانه‌های سنتی اشاره داشتند در حالیکه تعدادی از آنان به تخریب خانه‌های سنتی و ساخت خانه‌های جدید اعتقاد داشتند. با بررسی نظرات در مورد الگوهای معنایی، اکثر ساکنین در خانه‌های سنتی و جدید؛ خانه و محلات سنتی را به لحاظ اصالت و هویت آنان ارزشمند دانسته و تعداد کمی آن‌را به دلیل مشکلات رفاهی و کالبدی کم‌ارزش قلمداد می‌کنند با وجودی که درصد ناراضی بسیار کم است ولی مسائل مطرح شده توسط آنان اهمیت فراوانی دارد. چراکه تداوم مشکلات به مرور زمان درصد نارضایتی را افزایش داده و بافت محله را در ذهن افراد کم‌ارزش خواهد نمود.

در مولفه ترجیحات، اختلاف معناداری بین ساکنین خانه سنتی و جدید در متغیر محله و خانه جدید وجود دارد. ساکنین خانه‌های جدید زندگی در محله سنتی و خانه جدید را می‌پسندند. زندگی در خانه‌های جدید برای تمامی ساکنین بیشترین اهمیت را داشته در حالی که اکثریت ساکنین خانه‌های سنتی تمایل به سکونت در محلات جدید و اکثریت ساکنین خانه‌های جدید تمایل به سکونت در محلات سنتی داشتند. می‌توان نتیجه گرفت که خانه مناسب در محله سنتی با توجه به ارزش‌های بافت و اصالت محله از دیدگاه ساکنین مورد قبول می‌باشد.

با توجه به اینکه در این مقاله دیدگاه ساکنان مدنظر بود افراد مصاحبه شده در سه گروه پیر، میان‌سال و جوان دسته‌بندی شد. طبق تحلیل‌های انجام شده عدم استقبال جوانان از محله سنتی ریشه در تمایلات جوانان به نو شدن دارد که گاهی با سرعت شتابزده و حذف سنت و تاریخ انجام می‌شود. استقبال افراد پیر و به‌ویژه گروه میان‌سال در سه مولفه اداب سکونت، الگوهای معنایی و ترجیحات گویای درک ارزش و اهمیت سکونت در محلات سنتی است.

در راستای هدف اصلی پژوهش تحت عنوان واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های محلات سنتی از دیدگاه ساکنان بر پایه نظریه راپاپورت می‌توان نتایج را بدین صورت جمع‌بندی کرد

با توجه به پاسخ ساکنین خانه‌های سنتی در مورد سه مولفه می‌توان ردپای اجبار مالی را به وضوح مشاهده کرد که این موضوع در خانه‌های جدید کمتر دیده می‌شود و همین امر باعث شده است این بناها به دلیل کیفیت پایینی که به لحاظ تامین امکانات رفاهی دارند، از ارزش اقتصادی کمتری برخوردار باشند و به مرور زمان نیز به دلیل مشکلات مالی ساکنین در تامین هزینه‌های حفظ و نگهداری آنها، به بناهای فرسوده تبدیل شده و قابل سکونت نباشند. لذا ضرورت دارد تا در ابتدای امر به رفع کاستی‌های موجود که در مصاحبه‌ها به آنها اشاره شده است، پرداخته شود. برخی از این مشکلات ناشی از کمبودهایی است که در سطح محله وجود داشته که به لحاظ برنامه ریزی‌های شهری در سطوح بالاتر مدیریتی نیازمند رسیدگی و ارائه راه‌حلی کارآمد می‌باشد و در صورت عدم توجه می‌تواند به تهدیدی جدی برای از بین رفتن بافت و ناکارآمد شدن تدریجی بافت منجر شود. در مقابل چنین ضعف‌ها و تهدیدهایی، نمی‌توان دیدگاه‌های مردم در

حوزه فرصت‌های موجود در بافت را نادیده انگاشت: هویت، اصالت و تاکید بر تعاملات درون‌محله‌ای از جمله فرصتهایی هست که می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آتی مورد توجه مسئولین و مدیران شهری قرار بگیرد به نکات قوت در بافت‌های مذکور بدل شوند. رضایت ساکنان خانه‌های جدید در محله سنتی حاکی از آگاهی مردم از ارزش‌های تاریخی-هویت‌محلی است که در کنار همسایگی‌های قدیمی انسانی و کالبدی موجب تقویت ارتباطات اجتماعی و همذات‌پنداری با محله می‌شود. خاطرات سکونت در این محلات یادآور گذشته و شیوه سکونت مردمانی است که روزگاری را در آن گذراندند. خانه‌های تاریخی در محلات سنتی که در اکثر مواقع برای حفظ و نگهداری تغییر کاربری داده شده‌اند؛ نماد اصالت و هویت محله شده و نقش موثری در حس تعلق به محله و ارجحیت سکونت در آن دارد. توجه به خواست مردم لزوم بازنگری در دستورالعمل‌ها و مصوبات دستگاه‌های اجرایی را مشخص می‌کند. بازسازی و نوسازی با در نظر گرفتن هویت محله شرایط زیست مطلوب برای ساکنان را فراهم می‌کند. بر همین اساس به خواسته‌ی اکثریت افراد مبنی بر ترجیح به سکونت در خانه‌های جدید در محلات سنتی عمل می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. پژوهش حاضر منتج از طرح پژوهشی با شماره قرارداد ۰۷۳۱ دانشگاهی با عنوان واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های محلات سنتی از دیدگاه مردم (مطالعه موردی: محله‌ی سرخاب تبریز) می‌باشد که با حمایت مالی دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته‌است.
۲. بنا به نظر راپاپورت (1969) (Amos Rapoport) خانه بیش از داشتن ساختار کالبدی، نهادی است با عملکردی چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، مذهب، اقتصاد و شرایط محیطی. از آنجا که ساخت خانه امری فرهنگی است؛ شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است. تحقیقات گیفورد (1998) (Gifford, R) نشان می‌دهد اغلب افراد ترجیح می‌دهند در خانه‌هایی زندگی کنند که مطابق فرهنگ آنان باشد. این به دلیل آن است که سکونتگاه‌هایی که تبلوری از فرهنگ می‌باشند؛ مکمل الگوهای رفتاری آن فرهنگ هستند. از نظر مایس (Meiss) (1386) Pierre Von) خلق مکانی با هویت خصوصی مساله‌ای است که نیاز به توجه جدی دارد چرا که برای قشر کثیری از مردم انبوهی از خانه‌های بی‌نام در حال ساخت است. کوپرمارکوس (1382) (Cooper, Marcos) در مقاله خانه نماد خویشتن با استفاده از نظریات

واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های ... (پریسا هاشم‌پور و دیگران) ۱۳۷

روانشناسی یونگ با نگاهی ژرف‌تر در رابطه روان انسان با محیط با اشاره به ریشه‌دار بودن مفهوم نمادین خانه می‌گوید طراحان باید به تاثیر طراحی خانه بر وضع روانی انسانها توجه کنند (مداحی و معماریان، ۱۳۹۷: ۴-۲).

محلات سنتی مجموعه‌ای از خانه‌های سنتی و جدید را بصورت همجوار در خود دارد و شیوه زندگی و تفکر انسانها را در زمانهای مختلف به منصفه ظهور می‌گذارند. گونه‌های فضایی این خانه‌ها بر اساس وجود یا عدم وجود عناصر کالبدی تعریف می‌شوند. خانه‌های سنتی مهم‌ترین مکان برای نشان دادن سبک زندگی گذشته هستند. عدم درک این ساختمانها ساختار خانه را به سمت جایگزینی با ساختمانهای جدید هدایت می‌کند (سرمد، عینی فر و شاهچراغی، ۱: ۹۸). این خانه‌ها همواره توانسته‌اند با برقراری ارتباطی شایسته با سبک زندگی و شرایط اجتماعی زمان خود از مطلوبیت بالایی برخوردار باشند (آصفی و ایمانی، ۹۵: ۷-۶). مواردی از جمله تغییر سبک زندگی ایرانیان سبب تغییر در ماهیت فضاها و معماری خانه‌های جدید شده‌اند (حیبی، فلاحی و کرمی راد، ۹۸: ۱). لازم به توضیح است این باور که بافت و خانه‌های سنتی برای نوع خاصی از زندگی، معیشت و روابط اجتماعی شکل گرفته و با نیازهای اقتصادی و اجتماعی امروز انطباق ندارند، می‌تواند باور درستی باشد؛ اما این که اساسا توانایی هماهنگ شدن با زندگی و شرایط امروزی را ندارد و باید جای خود را به بافت و خانه‌های جدید بسپارد، نتیجه‌گیری قابل دفاعی نیست. هر دو نگرش موجود در قبال بافت و خانه‌های سنتی؛ تخریب و نگرش موزه‌ای به حفظ و مرمت آن به عنوان میراثی مربوط به گذشتگان؛ راه‌حلی تک سویه هستند. راه‌حل اول به نابودی آثار تاریخی و راه‌حل دوم به تهی شدن فضاها کالبد سنتی از زندگی معاصر خواهد انجامید. اما راه‌حل سومی مبنی بر شناخت جنبه‌های مثبت و قابلیت‌های بافت سنتی و انطباق خانه‌ی سنتی و زندگی معاصر وجود دارد که علاوه بر تجدید حیات بافت به دلیل دارا بودن ارزش‌های غیر قابل جایگزینی، افق‌های جدیدی را فراروی زندگی می‌گشاید (موسوی، ماجدی و حیبی، ۹۵: ۹).

۳. بنا به نظر راپوپورت (1969) (Amos Rapoport) خانه بیش از داشتن ساختار کالبدی، نهادی است با عملکردی چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، مذهب، اقتصاد و شرایط محیطی. از آنجا که ساخت خانه امری فرهنگی است؛ شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است. تحقیقات گیفورد (1998) (Gifford, R) نشان می‌دهد اغلب افراد ترجیح می‌دهند در خانه‌هایی زندگی کنند که مطابق فرهنگ آنان باشد. این به دلیل آن است که سکونتگاههایی که تبلوری از فرهنگ می‌باشند؛ مکمل الگوهای رفتاری آن فرهنگ هستند. از نظر مایس (1386) (Meiss Pierre Von) خلق مکانی با هویت خصوصی، مساله‌ای است که نیاز به توجه جدی دارد چرا که برای قشر کثیری از مردم انبوهی از خانه‌های بی‌نام در حال ساخت است.

کوپرمارکوس (1382) (Cooper.Marcos) در مقاله خانه نماد خویشتن با استفاده از نظریات روانشناسی یونگ با نگاهی ژرف‌تر در رابطه روان انسان با محیط با اشاره به ریشه‌دار بودن مفهوم نمادین خانه می‌گوید طراحان باید به تاثیر طراحی خانه بر وضع روانی انسانها توجه کنند (مداحی و معماریان، ۱۳۹۷: ۴-۲).

۴. در مجموع تعداد ۹ خانه تاریخی در این محله وجود دارند. از جمله خانه شربت اوغلی که بنیاد ایران‌شناسی است و خانه سرخه‌ای که در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

۵. عمر مفید برای هر واحد مسکونی را ۲۵ سال می‌دانند (رضایی و احمدی، ۱۳۹۹: ۳۳) در این شاخص قدمت بنا به سه قسمت بین یک سال تا ده سال قدمت، بین ده تا بیست سال و بیش از بیست سال عمر بنا تقسیم شده‌اند. واحدهای مسکونی نوساز حداکثر ده ساله هستند، واحدهای مسکونی دارای عمر متوسط، قدمتی بین ده تا بیست سال دارند، و واحدهای مسکونی کهنه و قدیمی دارای قدمت بیش از بیست سال هستند (همان).

کتابنامه

آذر، علی و حسین‌زاده دلیر کریم. (۱۳۸۷). «سازماندهی و بهسازی محلات سنتی با استفاده از رویکرد شهرسازی جدید. نمونه موردی: محله‌ی سرخاب تبریز». *مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای*. ۶(۱۱). ۱۴۶-۱۱۷.

آصفی، مازیار و ایمانی، الناز. (۱۳۹۵). «باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی». *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۴(۱۱). ۷۵-۵۶.

اصلائیان، یاشار؛ ذبیحی، حسین و رهبری منش، کمال. (۱۳۹۶). «ارائه مدل مفهومی مطلوبیت سکونتگاه از طریق تحلیل دیدگاه پدیدارشناسان (نمونه موردی: چند مجتمع مسکونی در تبریز)». *مدیریت شهری*. ۱۶(۴۷). ۶۵۲-۶۳۹.

انصاری، حمیدرضا. (۱۳۹۴). «ارزیابی و تحلیل کارکردپذیری طرح‌های معماری مسکن در اندازه کوچک (نمونه موردی: مجموعه پنجاه هزار واحدی غدیر مسکن مهر)». *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*. ۲۰(۳). ۱۰۴-۹۵.

ایلکا، شاهین؛ منصوری بهروز؛ نصیرسلامی سیدمحمدرضا و صارمی سیدعلی‌اکبر. (۱۳۹۴). «تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی». *مدیریت شهری*. ۱۴(۳۹). ۱۸۸-۱۶۵.

واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های ... (پریسا هاشم‌پور و دیگران) ۱۳۹

بردی آنامرادنژاد، رحیم؛ ملکی، سعید؛ رزمگیر، فاطمه و کشتکار، لیلیا (۱۳۹۸). «تحلیل ویژگی‌های یک محله سالم از دیدگاه شهروندان (نمونه موردی: محله ۳ شهر ایوان)». *آمایش محیط*. ۱۲(۴۵). ۱-۲۴.

حبیبی، امین؛ فلاحی، الهام و کرمی راد، سینا. (۱۳۹۸). «آموختن از گذشته، کاربست نحو فضای خانه عطروش و محتشم شیراز در تداوم حس تعلق مکان ویلاهای معاصر». *نشریه معماری اقلیم گرم و خشک*. ۷(۱۰). ۲۲۷-۲۴۹.

خاکپور، براتعلی؛ شریف‌زاده اقدم ابراهیم و شیخی عبدالله. (۱۳۹۷). «ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری اجتماعی - فرهنگی محلات شهر پیرانشهر». *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*. ۸(۲۸). ۱۳۳-۱۶۴.

خستو، مریم و فرح حبیب. (۱۳۹۵). «رویکردی تحلیلی به تأثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تأکید بر بافت شهری (مطالعه موردی: شهر قزوین)». *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۷(۲۶). ۳۱-۴۲.

ذاکر حقیقی، کیانوش و آصفی مقدس، علی. (۱۳۹۷). «ارزیابی کیفیت زندگی در محلات سنتی با استفاده از تکنیک رگرسیون چندمتغیره (مطالعه موردی: محله کلپا همدان)». *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*. دوره ۲۰.

راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن* (ترجمه خسرو افضلیان). تهران: انتشارات کسری. چاپ اول.

رحیمی، لیلا و کرمی، اسلام. (۱۳۹۸). «ارزیابی عوامل مؤثر بر ادراک ساکنان از کیفیت‌های محیطی محله مطالعه موردی: کوی گلشهر و پرواز تبریز». *مطالعات شهری*. ۸(۳۰). ۲۹-۴۰.

رضایی آدریانی، سهیلا؛ احمدی، حسن (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی شاخصهای کمی و کیفی مسکن در شهرستانهای استان اصفهان. *آمایش محیط*، دوره ی ۱۳، شماره ی ۴۹. ص ۳۱ و ۳۳.

زرافشان، عطااله؛ پورمحمدی، محمدرضا؛ نصیری، اسماعیل و موسی کاظمی، سیدمهدی. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی محلات انسان‌محور با تأکید بر مولفه‌های پیاده محوری و اختلاط کاربری اراضی (نمونه موردی: بافت‌های سنتی، مدرن و خودرو کلانشهر تبریز)». *نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی*. ۲۴(۷۱). ۱۷۳-۱۹۹.

زمانزاده دربان، زمزم (۱۳۹۶). «سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل». *مدیریت شهری*. ۱۶(۴۸). ۶۵-۸۶.

زمانی، بهادر و شمس، سارا. (۱۳۹۳). «ضرورت اتخاذ رویکرد محله‌مبنا در احیای بافت‌های تاریخی شهرها». *نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر*. ۴(۴۵ و ۴۶). ۷۲-۹۳.

- سجادزاده، حسن؛ زلفی گل، سجاد(۱۳۹۴). «طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه نمونه موردی: محله کلیا همدان». *آمایش محیط*. ۸(۳۱). ۱۷۱-۱۴۷.
- طاهری سرمد، فائزه؛ عینی فر، علیرضا و شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۸). «مقایسه تطبیقی گونه شناسی سازمان فضایی و عناصر کالبدی دوره‌های قاجار و پهلوی خانه‌های سنتی شهر کرمانشاه». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. ۹(۲۳). ۱۶۸-۱۴۹.
- عبداله‌زاده، مهسا و ارژمند، محمود. (۱۳۹۱). «در جست‌وجوی ویژگی‌های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز)». *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ۳(۱۰). ۱۲۲-۱۰۹.
- علی محمدی، فرزانه؛ بمانیان، محمدرضا و پور فتح اله، مائده. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی تأثیر تغییرات فرهنگی بر حریمیت در ورودی خانه‌های سنتی دوره قاجاریه (نمونه: خانه‌های سنتی قزوین)». *مطالعات میان فرهنگی*. ۱۰(۲۷). ۱۴۰-۱۱۵.
- محمدی‌زاده، غلامحسین. (۱۳۹۵). «تحلیل شناخت مفهوم سکونت و مسکن در جغرافیای محیطی با تاکید بر بازخوانش نظریه فرهنگ‌گرایی آموس راپاپورت». *مدیریت شهری*. ۱۴(۴۲). ۴۰۲-۳۶۹.
- مداحی، مهدی و معاریان، غلامحسین. (۱۳۹۷). «خوانش پیوند سازمان فضایی خانه و شیوه زندگی در معماری بومی (مطالعه موردی: شهر بشرویه)». *مسکن و محیط روستا*. ۳۷(۱۶۴). ۸۴-۶۹.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷). *فضاهای عمومی و خصوصی شهر (ترجمه فرشاد نوریان)*. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران.
- موسوی، میرسعید؛ ماجدی، حمید و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). «بازشناسی ویژگی‌های کالبدی-فضایی بافت قدیم شهر در ایران». *هویت شهر*. ۱۰(۲۸). ۲۸-۱۹.
- میرسجادی، امیر و فرکیش، هیرو. (۱۳۹۵). «ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی». *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۴(۱۳). ۹۲-۷۲.
- نژادابراهیمی، احد و نژاداغی نسترن. (۱۳۹۷). «بازآفرینی شهری اجتماع محور از طریق آموزش بر اساس فلسفه‌ی رئالیسم اسلامی در بافت تاریخی محله‌ی سرخاب تبریز». *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*. ۹(۳۵). ۱۵۰-۱۳۹.
- نژاداغی، نسترن (۱۳۹۸). *بازآفرینی شهری اجتماع محور از طریق آموزش مبتنی بر اندیشه‌ی اسلامی در بافت تاریخی محله سرخاب تبریز (رساله دکتری)*. دانشکده‌ی معماری و شهرسازی. دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

واکاوی فرهنگ سکونت در خانه‌های ... (پریسا هاشم‌پور و دیگران) ۱۴۱

هاشم‌پور، پریسا و یزدانی ثنا. (۱۳۹۶). «مطالعه تحولات کالبدی محلات تاریخی با رویکرد محرمیت (مورد مطالعه: محله تاریخی عزب دفتریلر تبریز)». *توسعه محلی*. ۸(۲). ۳۳۸-۳۱۳.

یزدانیفر، عباس؛ حسینی، باقر و زرودی، مصطفی. (۱۳۹۲). «فرهنگ و شکل خانه (مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر)». *مسکن و محیط روستا*. ۳۲(۱۴۴). ۳۲-۱۷.

Frederick R. Clow. (1919). "COOLEY'S DOCTRINE OF PRIMARY GROUPS". *American Journal of Sociology*. 25(3). 326-347.

Keyes, Ralph. (1973). *We, the lonely people;: Searching for community*. Harper & Row; 1st Edition.

Mehaffy, Michael W, Porta. Sergio & Romice Ombretta. (2015). "The "neighborhood unit" on trial: a case study in the impacts of urban morphology". *Journal of Urbanism*. 8(2). 199-217.